



نشر دریافت

امتحان
نهایی

دوازدهم

عربی

دکتر علی فیلی
دکتر پیمان بوذری

فارسی

زبان

زیست

ریاضی

فیزیک

دین و
زندگی



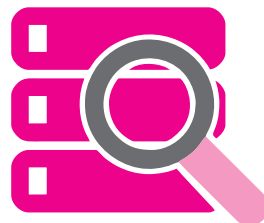
منظومه کتاب‌های

راه‌نهایی



خواننده گرامی «مطلب تکمیلی» زیادی برای این کتاب آماده شده‌است. با اسکن بارکد و واردکردن کد خراشی که داخل جلد همین کتاب (این روبه‌رو سمت راست) برایتان گذاشته‌ایم، به این مطلب دسترسی پیدا می‌کنید.

محتوای تکمیلی این کتاب



روزی نشست بر پاره‌سنگی
با انگشتانی گره کرده در زیر چانه‌اش
و خیره‌نگاهی تا بی‌انتهای
آرام آرام شرارِ وسوسه‌ای در رگ‌هایش دوید
و هُرمِ قدرتی سترگ، ساق‌های بی‌قرارش را در هم نوردید

ناگاه به پا خاست
و گام در راهی نهاد
بی‌انتهای

- انسان را می‌گویم -
او ناچار رفتن بود و یافتن
شاید به این امید که روزی، بر فراز قلّه‌ی دریافتن، پاتابه وا کند و یله بر چارطاق نیلی چرخ دهد.

تقدیم به شما و همه‌ی آن‌هایی که
برای «یافتن»

راهی جز «دریافتن» نمی‌شناسند.

سرشناسه: فیلی، علی، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور: مجموعه راه‌نمایی عربی سال دوازدهم / مولفان علی فیلی، پیمان بوذری.
مشخصات نشر: تهران: دریافت، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: جدول؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۷۳-۳۶-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر
شناسه افزوده: بوذری، پیمان، ۱۳۴۹ -
شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۵۶۴۸۷

مجموعه راه‌نمایی عربی سال دوازدهم

نویسندگان: دکتر علی فیلی - دکتر پیمان بوذری

ناشر: نشر دریافت

طراح جلد: ایمان خاکسار

ناظر چاپ: سعید حیدری

صفحه‌آرا: فاطمه عموتقی

نوبت و سال چاپ: دوم، ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۲۱۲۰۰۰ تومان

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۰۳۹۲

نشانی اینترنتی: www.Daryaftpub.com

پست الکترونیک: daryaftpub@gmail.com

حق چاپ و نشر این کتاب متعلق به ناشر بوده و هرگونه کپی یا نقل مطالب بدون اجازه ناشر پیگرد قانونی دارد.

عشق بنام یگانگی

مقدمه مؤلف

دوستان سلام!

درس عربی از دروس پایه‌ای است که دانش‌آموزان از پایه هفتم تحصیلی با آن آشنا می‌شوند. خیلی از دانش‌آموزان تصور می‌کنند که عربی هم مثل بعضی از دروس خواندنی است و با حفظ کردن و خواندن مطالب کتاب درسی در شب امتحان هم می‌توان نمره کامل گرفت؛ اما واقعاً این‌گونه نیست. به همین علت پیشنهاد ما همیشه به دانش‌آموزان این بوده که برای این درس اهمیتی همانند دروس پایه‌ای مثل ریاضی قائل باشند و به این نکته توجه کنند که در این درس به تمامی نکاتی که از پایه هفتم تا دوازدهم می‌آموزند برای امتحان نهایی نیاز خواهند داشت. به همین علت سعی کردیم در این کتاب یک مرور کلی بر قواعد و اصول ترجمه و تجزیه و ترکیب عربی دهم و یازدهم که در واقع عربی هفتم، هشتم و نهم را نیز در بر می‌گیرد برای یادآوری و یادگیری در ابتدای کتاب بیاوریم. در ادامه نیز در قالب ۴ درس عربی دوازدهم تمامی متن‌های دروس به صورت کلمه به کلمه و روان ترجمه شده است و به تمامی تمرین کتاب درسی پاسخ و در صورت نیاز توضیح داده شده است. لغات هر درس به همراه مترادف و متضاد و جمع‌های مکسر و کلمات مشابه و پر اهمیت نیز در هر درس آمده است. در پایان هر درس نیز تمامی سوالات امتحانات نهایی متناسب با هر درس از سال ۹۸ تاکنون گردآوری شده است و همچنین دو آزمون تألیفی ۲۰ نمره‌ای برای هر درس در نظر گرفته شده است و به تمامی این موارد نیز پاسخ داده شده است. در انتهای کار نیز چهار آزمون نهایی عربی دوازدهم که در قالب این ۴ درس نیامده به صورت مستقل آمده است؛ تا هم از تکرار جلوگیری شده باشد و هم محک جدی برای سنجش اطلاعات دانش‌آموزان عزیز باشد. امیدواریم با تألیف این کتاب توانسته باشیم در کسب نمره ۲۰ در این درس مهم کمک شایانی به دانش‌آموزان عزیز و محترم این مرز و بوم کرده باشیم. در پایان بر خود لازم می‌دانیم از نشر دریافت و مدیریت محترم آن دکتر سبطی و تمامی همکاران عزیز و زحمتکش انتشارات بابت چاپ این کتاب تشکر ویژه داشته باشیم.

پیروز و موفق باشید

دکتر علی فیلی - دکتر پیمان بوذری

فهرست

مروری بر عربی دهم و یازدهم ۵

درس اول ۳۱

درس دوم ۵۳

درس سوم ۷۷

درس چهارم ۱۰۵

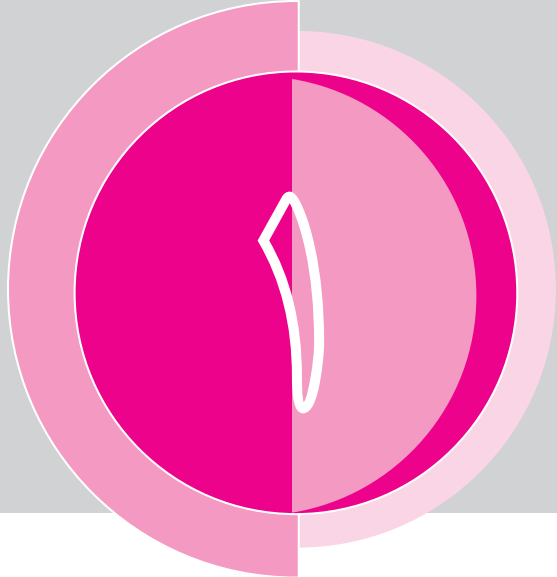
امتحان نهایی عربی دوازدهم، شهریور ۱۴۰۲ ؟

امتحان نهایی عربی دوازدهم، شهریور ۱۴۰۱ ؟

امتحان نهایی عربی دوازدهم، شهریور ۱۴۰۰ ؟

امتحان نهایی عربی دوازدهم، شهریور ۱۳۹۹ ؟

پاسخنامه تشریحی آزمون‌های شهریور ؟



- الدرس الأول (درس اول)
- ﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾
- با یکتاپرستی به دین روی آور

الدِّينَ وَالتَّذْيِينَ دین و دینداری

ترجمه تحت اللفظی و روان متن

﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ﴾	لِلدِّينِ	حَنِيفًا
روی آور	به دین	با یکتاپرستی
با یکتاپرستی به دین روی آور.		

التَّذْيِينَ	فِطْرِيٌّ	فِي الْإِنْسَانِ	والتَّارِيخُ	يَقُولُ	لَنَا
دینداری	فطری است	در انسان	و تاریخ	می گوید	به ما
دینداری در انسان فطری است و تاریخ به ما می گوید:					

لا	شَعَبٍ	مِنْ	شُعُوبٍ	الأَرْضِ	إِلَّا	وكانَ له	دِينٍ	و طَرِيقَةً	لِلْعِبَادَةِ
نیست	ملتّی	از	ملتّهای	زمین	مگر اینکه	داشته باشد	دینی	و روشی	برای عبادت
هیچ ملتّی از ملتّهای زمین نیست مگر اینکه دین و روشی برای عبادت داشته باشد. (تمامی ملتّهای کره زمین دین و روشی برای عبادت دارند.)									

فَالْآثَارِ	الْقَدِيمَةَ	الَّتِي	اكتَشَفَهَا	الْإِنْسَانِ،
پس آثار	قدیمی‌ای	که	کشف کرد آنها را	انسان
پس آثار قدیمی‌ای که انسان آنها را کشف کرد،				

وَالْحَضَارَاتِ	الَّتِي	عَرَفَهَا	مِنْ خِلَالِ	والتُّقُوشِ	وَالرُّسُومِ	والتَّمَاثِيلِ،
و تمدن‌هایی	که	شناخت آنها را	از طریق	و نگاره‌ها	و نقاشی‌ها	و مجسمه‌ها،
و تمدن‌هایی که آن‌ها را از طریق نوشته‌ها و نگاره‌ها و نقاشی‌ها و مجسمه‌ها شناخت،						

تُؤَكِّدُ	اهتمامَ	الْإِنْسَانِ	بِالدِّينِ	و تَدُلُّ	عَلَى أَنَّهُ	فِطْرِيٌّ	فِي وُجُودِهِ؛
تأکید می کند	توجه	انسان	به دین	و دلالت می کند	بر اینکه آن	فطری است	در وجودش؛
بر توجه انسان به دین تأکید می کند و دلالت می کند بر اینکه آن در وجودش فطری است؛							



ولكن	عباداته	وشعائره	كالت	خُرَافِيَّةٌ
وليكن	عباداتش	و مراسمش	بود	خرافی

وليكن عباداتش و مراسمش خرافی بود

مثل	تَعُدُّ	الْإِلَهَةَ	وَتَقْدِم	الْقَرَابِينَ	لَهَا	لِكَسْب	رِضَاهَا	تَجَنَّبِ	شَرَّهَا.
مانند	فراوانی	خدایان	و تقدیم کردن	قربانی‌ها	برای آنها	برای کسب	خشنودی آنها	و دوری کردن	از بدی آنها

مانند فراوانی خدایان و تقدیم کردن قربانی‌ها برای آنها به خاطر به دست آوردن خشنودی آنها و دوری کردن از بدی آنها

وازدادت	هذه الخرافات	في أديان	الناس	على مَرَّ	العصور.
و زیاد شد	این خرافات‌ها	در دین‌های	مردم	در گذر	زمان‌ها

و در گذر زمان‌ها این خرافات‌ها در دین‌های مردم زیاد شد.

ولكن	الله	تبارك	وَتَعَالَى	لَمْ يَتْرِكْ	النَّاسِ	على هذه الحالة
وليكن	خداوند	بزرگ	و بلندمرتبه	رها نکرد	مردم را	بر این حالت

وليكن خداوند بزرگ و بلندمرتبه مردم را بر این حالت رها نکرد.

فقد قال	في	كتابه الكريم:	﴿أ﴾	يَحْسَبُ	الْإِنْسَانُ	أَنْ يُتْرَكَ	سُدَىٰ ﴿﴾
پس گفته است	در	کتاب ارزشمندش	آیا	گمان می‌کند	انسان	که رها می‌شود	بیهوده

پس در کتاب ارزشمندش (قرآن) گفته است: آیا انسان گمان می‌کند که بیهوده رها می‌شود؟

لذلك	أرسل	إليهم	الأنبياء	ليُبينوا	الصراط	المستقيم	و	الدين	الحق
به همین دلیل	فرستاد	به سوی آنها	پیامبران را	تا آشکار کنند	راه	راست	و	دین	حق

به همین دلیل پیامبران را به سوی آنها فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.

وقد حَدَّثَنَا	القرآن	الكريم	عن	سيرة	الأنبياء	وصرايحهم	مع	أقوامهم الكافرين.
و سخن گفته است با ما	قرآن	کریم	درباره	روش	پیامبران	و مبارزه آنها	با	اقوام کافرشان

و قرآن کریم درباره روش پیامبران و مبارزه آنها با اقوام کافرشان با ما سخن گفته است.

وَلُنذِرُ	مثلاً	إبراهيم الخليل	الذي	حاول	أَنْ يُنْقِذَ	قومه	مِنَ	عبادة	الأصنام.
و باید یاد کنیم	به عنوان مثال	از حضرت ابراهیم خلیل	که	تلاش کرد	نجات دهد	قومش را	از	عبادت	بت‌ها

و به عنوان مثال باید یاد کنیم از حضرت ابراهیم (ع) که تلاش کرد قومش را از عبادت بت‌ها نجات دهد.

ففي	أحد	الأعياد	لَمَّا	خَرَجَ	قَوْمُهُ	مِنَ	مدينتهم،	بقي	إبراهيم (ع)	وحيداً؛
پس در	یکی	[از] عیدها	هنگامی که	خارج شدند	قومش	از	شهرشان	باقی ماند	ابراهیم	تنها

پس در یکی از اعیاد هنگامی که قومش از شهرشان خارج شدند ابراهیم (ع) تنها باقی ماند؛



فَحَمَلٌ	فَأَسَأُ	وَكَسَّرَ	جَمِيعٌ	الْأَصْنَامِ	فِي	الْمَعْبَدِ	إِلَّا	الصَّنَمِ	الْكَبِيرِ،
پس برداشت	تبری	و شکست	همه	بت‌ها را	در	معبد	به جز	بت	بزرگ،

پس تبری برداشت و همه بت‌های بزرگ در معبد به جز بت بزرگ را شکست.

نُومٌ	عَلَّقَ	الْفَأْسَ	عَلَى	كَتِفِهِ	و	تَرَكَ	الْمَعْبَدَ.	وَلَمَّا	رَجَعَ	النَّاسُ	شَاهِدُوا	أَصْنَامَهُمْ	مُكْسَرَةً
سپس	آویزان کرد	تبر را	بر	دوش او	و	ترک کرد	معبد را	و هنگامی که	برگشتند	مردم	دیدند	بت‌هایشان را	شکسته

پس تبر را بر دوش او (بت بزرگ) آویزان کرد و معبد را ترک کرد و هنگامی که مردم برگشتند بت‌هایشان را شکسته شده دیدند.

وَوَظَّنُوا	أَنَّ	إِبْرَاهِيمَ (ع)	هُوَ	الْفَاعِلُ	فَأَحْضَرُوهُ	لِلْمُحَاكَمَةِ	وَسَأَلُوهُ:
و گمان کردند	که	ابراهیم	همان	انجام دهنده است	پس احضار کردند او را	برای محاکمه	و پرسیدند از او

و گمان کردند که حضرت ابراهیم (ع) انجام دهنده آن کار است پس او را برای محاکمه احضار کردند و از او پرسیدند:

﴿أ﴾	أَنْتَ	فَعَلْتَ	هَذَا	بِأَلِهَتِنَا	يَا	إِبْرَاهِيمُ ﴿﴾
آیا	تو	انجام دادی	این کار را	با خدایان ما	ای	ابراهیم

آیا تو این کار را با خدایان ما انجام دادی ای ابراهیم؟

فَأَجَابَهُمْ:	لِمَ	تَسْأَلُونَنِي؟	إِسْأَلُوا	الصَّنَمِ	الْكَبِيرِ!
پس پاسخ داد به آنان	برای چه	می‌پرسید از من	پرسید	[از] بت	بزرگ

پس به آنان پاسخ داد: برای چه از من می‌پرسید؟ از بت بزرگ پرسید!

بَدَأَ	الْقَوْمِ	يَتَهَامِسُونَ:	«إِنَّ	الصَّنَمِ	لَا يَتَكَلَّمُ	إِنَّمَا	يَقْصِدُ	إِبْرَاهِيمُ	الْأَسْتِهْزَاءَ	بِأَصْنَامِنَا»
شروع کردند	مردم	پچ پچ می‌کنند	به راستی	بت	سخن نمی‌گوید	فقط	قصد دارد	ابراهیم	مسخره کردن	بت‌های ما

مردم شروع کردند به پچ پچ کردن: «به راستی که بت سخن نمی‌گوید: ابراهیم فقط قصد مسخره کردن بت‌های ما را دارد.»

وَهُنَا	﴿قَالُوا﴾	حَرَقُوهُ	وَانصُرُوا	أَلِهَتِكُمْ ﴿﴾	فَقَذَفُوهُ	فِي	النَّارِ	فَأَنْقَذَهُ	اللَّهُ	مِنْهَا.
و اینجا	گفتند	بسوزانید او را	و یاری کنید	خدایانتان را	پس انداختند او را	در	آتش	پس نجات داد او را	خدا	از آن

و اینجا بود که گفتند: او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید. پس او را در آتش انداختند و خدا او را از آن [آتش] نجات داد.

حَوَلِ النَّصِّ (درباره متن)

عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأُ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (درست و نادرست را براساس متن درس مشخص کن)

۱. كان الهداف من تقديم القرابين للالهة كسب رضاها وتجنب شرها. ← هدف از تقدیم کردن قربانی‌ها به خدایان به دست آوردن رضایت آن‌ها و دوری از بدی آن‌ها بود. ✓

۲. عَلَّقَ إِبْرَاهِيمَ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ. ← ابراهیم (ع) تبر را بر شانه کوچک‌ترین بت‌ها آویزان کرد. ✗

۳. لم يكن لبعض الشعوب ديناً أو طريقة للعبادة. ← برخی ملت‌ها دین یا روشی برای عبادت نداشتند. ✗



- ✓ ۴. الآثار القديمة تُؤكِّد اهتمام الإنسان بالدين. ← آثار باستانی بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند.
- ✓ ۵. إِنَّ التَّدِينُ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ. ← دین‌داری در انسان فطری است.
- ✓ ۶. لَا يَتْرِكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سَدِيًّا. ← خداوند انسان را بی‌پرده رها نمی‌کند.

قواعد درس اول

معانی حروف مشبَّهه بالفعل و «لا»ی نفی جنس

۱ حروف مشبَّهه بالفعل

در این درس می‌خواهیم با معانی دقیق حروف پرکاربرد «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ و لَعَلَّ» آشنا شویم.
 ● «إِنَّ»: جمله پس از خود را تأکید می‌کند و به عبارتی دقیق‌تر، تمام جمله پس از خود را تأکید می‌کند. و به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان» است؛ مثال:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾: همانا خداوند به عدالت و نیکی فرمان می‌دهد.
 ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾: بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

● «أَنَّ»: به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد؛ و به عبارتی عامل ارتباط میان دو جمله است؛ مثال:

﴿قَالَ أَعْلِمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾: گفت: می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست.

● معمولاً «لَأَنَّ» که ترکیبی از «ل» و «أَنَّ» است به معنای «زیرا، برای اینکه» می‌باشد؛ مثال:

پرسش: لماذا ما سافرت بالطائرة؟ چرا با هواپیما سفر نکردی؟
 پاسخ: لأنَّ بطاقة الطائرة عالية: برای اینکه بلیط هواپیما گران است.

● «كَأَنَّ»: به معنای «مانند، گویی» است و بر «تشبیه» دلالت می‌کند؛ مثال:

﴿كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ﴾: گویی ایشان یاقوت و مرجانند. یا آنان مانند یاقوت و مرجانند.
 كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ: گویی خشنود ساختن همه مردم هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.

● «لَكِنَّ»: به معنای «ولی» و برای تکمیل پیام و رفع ابهام جمله قبل از خودش است؛ مثال:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾: بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

● «لَيْتَ»: به معنای «کاش، ای کاش» و بیانگر آرزوست و به صورت «یا لیت» هم به کار می‌رود؛ مثال:

﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾: و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم!

● «لَعَلَّ»: یعنی «شاید» و «امید است»؛ مثال:

إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ: بی‌گمان ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم شاید (امید است) که شما خردورزی کنید.

۲ «لا»ی نفی جنس

● تاکنون با سه نوع «لا» آشنا شده‌ایم:

- ۱- «لا» به معنای «نه» در پاسخ به «هَلْ» و «أ»: مانند: أأنت من بجنورد؟ لا، أنا من بیرجند.
- ۲- «لا»ی نفی مضارع؛ مانند: لا يذهبُ: نمی‌رود.



۳- «لا»ی نهی؛ که قبلاً با آن آشنا شدیم و برای بازداشتن از انجام کاری استفاده می شود؛ مانند: لا تَذْهَبْ: نرو؛ و همچنین به معنای «نباید» بر سر فعل مضارع اَوَّل و سوم شخص؛ مانند: لا أَذْهَبْ: نباید بروم؛ لا يَذْهَبْ: نباید برود. و اما معنای چهارم «لا» که در این درس با آن آشنا می شویم «هیچ ... نیست» می باشد که «لا»ی نفی جنس نامیده شده و بر اسم وارد می شود؛ مثال:

لا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ: هیچ فقری سخت تر از نادانی نیست.
لا كَنْزَ أَعْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ: هیچ گنجی بی نیاز کننده تر از قناعت نیست.
«لا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا»: هیچ دانشی نداریم جز آن چه به ما آموختی.

پس از «لا»ی نفی جنس حتماً اسم می آید و آن اسم نباید ال و تنوین داشته باشد و فقط با حرکت فتحه «ء» می آید. در غیر این صورت «لا»ی نفی جنس نیست.

نکته به افعال ناقصه (کان، صار، لیس، أصبح)، حروف مشبَّهه بالفعل (إِن، أَنْ، كَأَنَّ، لَكَنَّ، لیت و لعل) و «لا»ی نفی جنس «ناسخه» می گویند و جمع آن ها «نواسخ» می باشد.

بیشتر بدانیم خوب است در اینجا با «ألا» و «ألا» نیز آشنا شویم و آنها را از انواع «لا» تشخیص دهیم:
«ألا» دو نوع است:

الف: ادات تنبیه و به معنای «هان، آگاه باش»؛ مانند: «ألا بذكر الله تطمئن القلوب: آگاه باش که با یاد خدا دل ها آرام می گیرد»
ب: گاهی اوقات «أ» استفهام به همراه «لا» نفی با هم به صورت «ألا» می آید؛ مانند: ألا تعلم: آیا نمی دانی؟
«ألا» ترکیبی از «أَنْ» ناصبه + «لا» نفی است که به صورت «ألا» درآمده است و بر فعل مضارع وارد می شود؛ مانند: ألا يذهب: که نرود.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را امتحان کن)

الف تَرْجِمِ هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْكَرِيمَتَيْنِ. (این دو آیه کریمه را ترجمه کن.)

- ۱- ﴿فَهَذَا يَوْمَ الْبَعْثِ وَلَكُنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ ← پس این روز رستاخیز است ولی شما نمی دانستید.
- ۲- ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ﴾ ← به راستی خداوند کسانی که در راه او در صف مبارزه می کنند را دوست دارد گویی که آنان بنایی استوار هستند.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را امتحان کن)

ب تَرْجِمِ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ. (این احادیث را براساس قواعد درس، ترجمه کن)

- ۱- لا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ. ← هیچ خیری در سخنی نیست مگر اینکه با عمل همراه باشد.
- ۲- لا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ. ← هیچ نبردی مانند نبرد با نفس نیست.
- ۳- لا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ. ← هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.
- ۴- لا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَ لا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ. ← هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی مانند ادب نیست.
- ۵- لا سَوْءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكُذْبِ. ← هیچ بدی ای بدتر از دروغ نیست.


إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را امتحان کن.)

ج اِمْلَأِ الْفَرَاغَ فِي مَايَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ «لَا» فِيهِ. (جای خالی را در آنچه می‌آید پر کن سپس نوع «لا» را در آن مشخص کن)

- ۱- ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ﴾ ← و به کسانی که به جای خدا فرامی‌خوانند دشنام ندهید؛ زیرا که به خدا دشنام دهند. نوع «لا»: نهی
- ۲- ﴿وَلَا يَحْرُوكُمْ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ ← و گفتارشان تو را ناراحت نکند؛ زیرا ارجمندی، همه از آن خداست؛ نوع «لا»: نهی
- ۳- ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ ← آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند برابرند؟ نوع «لا»: نفی
- ۴- ﴿رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ ← [ای] پروردگار ما، آنچه را که هیچ توانی نسبت به آن نداریم بر ما تحمیل مکن؛ نوع «لا»: اولی نهی و دومی نفی جنس
- ۵- لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ. ← خداوند رحم نمی‌کند به کسی که به مردم رحم نمی‌کند؛ نوع «لا»: هر دو نفی

التمارين (تمرین‌ها)
التمرين الأول (تمرین اول)

الف أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مَعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (کدام کلمه از کلمات واژه‌نامه درس با توضیحات زیر متناسب است؟)

- ۱- آله ذاتُ يدٍ مِنَ الْحَشَبِ وَسِنَّ عَرِيضَةٍ مِنَ الْحَدِيدِ يُقَطَّعُ بِهَا. ← ابزاری دارای دسته‌ای از چوب و دندانه‌ای پهن از آهن که به وسیله آن [اشیاء] قطع می‌شوند. ← الفأس: تبر
- ۲- تَمَثَّلَ مِنْ حَجَرٍ أَوْ حَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. ← مجسمه‌ای از سنگ یا چوب یا آهن که به جای خدا پرستش می‌شود. ← الصنم: بت
- ۳- عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجِدْعِ. ← عضوی از اعضای بدن که بالای تنه قرار دارد ← الکثیف: شانه
- ۴- التَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَالْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ. ← ترک‌کننده باطل و متمایل به دین حق ← الحنیف: یکتاپرست
- ۵- إِيَّاهُمْ بَدَّؤُوا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ. ← آن‌ها با سخنی آرام شروع به صحبت کردند. ← بَدَّؤُوا يَتَهَامَسُونَ: شروع به پیچ کردند.

التمرين الثاني (تمرین دوم)

ب تَرَجِّمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْحَرْفَ الْمَشَبَّهُ بِالْفِعْلِ وَلَا النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ. (عبارت‌های زیر را ترجمه کن سپس حرف مشبّه بالفعل و «لا»ی نفی جنس را مشخص کن.)

- ۱- ﴿قَبِيلٌ ادْخُلَ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ ← [به او] گفته شد: به بهشت وارد شو؛ گفت: ای کاش قوم من بدانند که پروردگارم مرا آفرید و مرا از بزرگان قرار داد. ← لَيْتَ: حرف مشبّه بالفعل
- ۲- ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ ← ناراحت نباش! قطعاً خداوند با ماست. ← إِنَّ: حرف مشبّه بالفعل
- ۳- ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ ← هیچ معبودی جز خدای یگانه نیست. ← لا: نفی جنس
- ۴- لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ. ← هیچ دینی ندارد کسی که هیچ [وفای به] عهده‌ی ندارد. ← هر دو «لا» نفی جنس
- ۵- إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ صَيفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ. ← به راستی از سنت است که آدمی با مهمانش تا در خانه برود ← إِنَّ: حرف مشبّه بالفعل



التمرين الثالث (تمرین سوم)

ج إقرأ الشعر المنسوب إلى الإمام عليّ، ثمّ عَيِّن ترجمة الكلمات التي تحثّها خطّ. (شعر منسوب به امام علي را بخوان سپس ترجمه کلماتی که زیرشان خط است را مشخص کن.)

- ۱- أيها الفاجرُ جهلاً بالنسب إنا الناسُ لأُمّ ولأب
ای که نابخردانه افتخار کننده به دودمان هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدرند.
- ۲- هل تراهم خُلِقُوا مِنْ فَضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ
آیا آنان را می‌بینی (می‌پنداری) که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند؟
- ۳- بل تراهم خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سَوَى لِحْمٍ وَعَظْمٍ وَعَصَبٍ
بلکه آنان را می‌بینی از تکه گلی آفریده شده‌اند. آیا به جز گوشت و استخوان و پی‌اند؟
- ۴- إنا الفخر لعقل ثابتٌ و حياءٍ و عفافٍ و أدبٍ
افتخار، تنها به خردی استوار، شرم، پاکدامنی و ادب است.

د استخراج من الأبيات اسم الفاعل و الفعل المجهول و الجار و المجرور و الصفة و الموصوف. (از بیت‌ها، اسم فاعل و فعل مجهول و جار و مجرور و صفت و موصوف را استخراج کن.)

اسم فاعل: الفاجر - ثابت / فعل مجهول: خُلِقُوا / جار و مجرور: بالنسب، لأُمّ، لأب، من فَضَّةٍ، من طِينَةٍ، لعقل / صفت و موصوف: صفت: ثابت و موصوف: عقل.

التمرين الرابع (تمرین چهارم)

ه ترجم الأحاديث ثمّ عَيِّن المطلوب منك. (احادیث را ترجمه کن سپس آنچه از تو خواسته شده است را مشخص کن)

- ۱- كل طعام لا يُذكر اسم الله عليه، لا بركة فيه. (الفعل المجهول و نوع «لا»)
هر غذایی که نام خدا بر آن ذکر نشود، هیچ برکتی در آن نیست.
فعل مجهول: يُذكَرُ نوع «لا» در «لا يُذكَرُ»: نفي و در «لا بركة»: نفي جنس
- ۲- لا تغضب، فإن الغضب مفسدة. (نوع الفعل)
خشمگین مشو، به راستی که خشم مایه تباهی است. نوع فعل «لا تغضب»: نهي
- ۳- لا فقر أشد من الجهل و لا عبادة مثل التفكر. (المضاف إليه و نوع «لا»)
هیچ فقری بالاتر از نادانی و هیچ عبادتی مانند فکر کردن نیست.
مضاف إليه: التفكر و نوع «لا»: هر دو نفي جنس
- ۴- لا تطعموا المساكين مما تأكلون. (نوع «لا» و مفرد «مساكين»)
از آنچه که خودتان نمی‌خورید به نیازمندان غذا ندهید.
نوع «لا» در «لا تطعموا»: نهي و در «لا تأكلون»: نفي و مفرد «مساكين»: «مساكين»
- ۵- لا تسبوا الناس فتكتسبوا العداوة بينهم. (فعل النهي و مضاد «عداوة»)
به مردم دشنام ندهید زیرا میان آنان دشمنی کسب می‌کنید.
فعل النهي: لا تسبوا / مضاد «عداوة»: صداقة
- ۶- خذوا الحق من أهل الباطل و لا تأخذوا الباطل من أهل الحق؛ كونوا ثقاة الكلام. (المحل الإعرابي لما تحته خط)
حق را از اهل باطل بگیرید و باطل را از اهل حق نگیرید، سخن‌سنج باشید.
الباطل: مضاف إليه / الباطل: مفعول / أهل: مجرور بحرف الجرّ.



التمرین الخامس (تمرین پنجم)

الترجمة (ترجمه کن)

لا تَجْلِسُوا: ننشینید إِجْلِسْنَ: بنشینید	جَلَسْنَا: نشستیم الجالِس: نشسته	۱- جَلَسَ: نشست
لا تُجَلِّسِي: نشان سَيُجَلِّسُ: خواهد نشانند	أَجَلِّسُ: نشان لَمْ يُجَلِّسُوا: نشانندند	۲- أَجَلَسَ: نشانید
لَمْ أَعْلَمَ: ندانستم لا يَعْلَمُ: نمی‌داند	قَدْ عَلِمْتُ: دانسته‌ای إِعْلَمُ: بدان	۳- عَلِمَ: دانست
لَنْ يَعْلَمَ: یاد نخواهد داد لِيُعْلَمَ: باید یاد دهد	قَدْ يُعْلَمُ: گاهی یاد می‌دهد. أُعْلَمُ: یاد می‌دهم	۴- عَلَّمَ: یاد داد
كَانَا يَقْطَعَانِ: می‌بریدند لا تَقْطَعُ: نَبْر	قُطِعَ: بریده شد المقْطوع: بریده شده	۵- قَطَعَ: بُرید
سَيَنْقَطِعُ: بریده خواهد شد لَنْ يَنْقَطِعَ: بریده نخواهد شد	مَا انْقَطَعَ: بریده نشد الانْقِطَاع: بریده شدن	۶- انْقَطَعَ: بُریده شد
لا يُعْفَرُ: آمرزیده نمی‌شود العَفَّار: بسیار آمرزنده	قَدْ عَفَّرَ: آمرزیده است المَغْفُور: آمرزیده شد	۷- عَفَّرَ: آفرید
الاستغْفار: آمرزش خواستن أَسْتَغْفِرُ: آمرزش می‌خواهم	قَدْ اسْتَعْفَرْتُمُ: آمرزش خواسته‌اید لا يَسْتَغْفِرُونَ: آمرزش نمی‌خواهند	۸- اسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست

التمرین السادس (تمرین ششم)

اقْرَأْ هَذِهِ الْأَنْشُودَةَ؛ ثُمَّ تَرَجِّمَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ. (این سرود را بخوان؛ سپس آن را به فارسی ترجمه کن.)

- ۱- يا إلهي يا إلهي يا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ ← اى خدای من! اى خدای من! اى اجابت کننده دعاها
- ۲- اجعل اليوم سعيداً و كثير البركات ← امروز را خوش و پربرکت قرار بده
- ۳- و املأ الصدر إنشراحاً و فمي بالبسمات ← و سینه را از شادمانی و دهانم را با لبخندها پر کن
- ۴- و أعني في دروسي و أداء الواجبات ← و مرا در دروسم و انجام تکالیف یاری کن
- ۵- و أنر عقلي و قلبي بالعلوم النافعات ← و عقل و قلبم را با دانش‌های سودمند روشن کن
- ۶- و اجعل التوفيق حظي و نصيبي في الحياة ← و موفقیت را بخت و بهره‌ام در زندگی قرار بده
- ۷- و املأ الدنيا سلاماً شاملاً كل الجهات ← و دنیا را از صلحی که همه جهات را فرا بگیرد پر کن
- ۸- و احميني و احم بلادي من شرور الحوادث ← و من و سرزمینم را از بدی حوادث حفظ کن



التمرین السابع (تمرین هفتم)

ضع في الفراغ كلمة مناسبة (در جای خالی کلمه مناسبی قرار بده)

- ۱- قَالَ الإمام الحسنُ (ع): «إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ.»
ترجمه: امام حسن (ع) فرمود: «براستی که بهترین نیکی، اخلاق نیک است.» علت: در ابتدای جمله از «إِنَّ» استفاده می شود.
 (أَنَّ □ □ □ □ □) (إِنَّ □ □ □ □ □) (لَكِنَّ □ □ □ □ □)
- ۲- سُئِلَ المديرُ: أفي المدرسةِ طالبٌ؟ فأجابَ: «لا طالبَ هُنا.»
ترجمه: از مدیر پرسیده شد: آیا دانش آموزی در مدرسه است؟ پس پاسخ داد: «هیچ دانش آموزی اینجا نیست.» علت: با توجه به معنای جمله و اینکه پس از جای خالی اسم با «(لا)» آمده است، «(لا)»ی نفی جنس می آید.
 (لَأَنَّ □ □ □ □ □) (لَا □ □ □ □ □) (فَأَنَّ □ □ □ □ □)
- ۳- حَضَرَ السُّيَّاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ؛ لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَحْضُرْ.
ترجمه: گردشگران در سالن فرودگاه حاضر شدند ولی راهنما حاضر نشد. علت: با توجه به معنای جمله برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله قبل از «لَكِنَّ» استفاده می کنیم.
 (أَنَّ □ □ □ □ □) (لَكِنَّ □ □ □ □ □) (تَعَلَّ □ □ □ □ □)
- ۴- تَمَّتْ الْمُرَاعَةُ؛ لَيْتَ الْمَطْرَ يَنْزِلُ كَثِيرًا!
ترجمه: کشاورز آرزو کرد: «ای کاش باران، بسیار ببارد!» علت: «لَيْتَ» برای آرزو به کار می رود و با توجه به معنای جمله و نیز فعل «تَمَّتْ» که به معنای «آرزو کردن» است از «لَيْتَ» استفاده می کنیم.
 (كَأَنَّ □ □ □ □ □) (لَأَنَّ □ □ □ □ □) (لَيْتَ □ □ □ □ □)
- ۵- لماذا يبكي الطفلُ؟ لَأَنَّهُ جَائِعٌ.
ترجمه: چرا کودک گریه می کند؟ زیرا او گرسنه است. علت: با توجه به اینکه «لَأَنَّهُ» به معنای «زیرا» است و به عنوان پاسخ برای سؤال موجود قرار می گیرد مناسب ترین کلمه برای قرار گرفتن در جای خالی است.
 (أَنَّهُ □ □ □ □ □) (لَأَنَّهُ □ □ □ □ □) (لَيْتَ □ □ □ □ □)

التمرین الثامن (تمرین هشتم)

أكمل ترجمة هذا النص؛ ثم اكتب المحل الإعرابي للكلمات التي تحتهما خطًا. (ترجمه این متن را کامل کن؛ سپس نقش کلماتی که زیرشان خط است را بنویس.)

- حين يَرَى «الطائر الذكي» حيواناً مُفْتَرِساً قُربَ عَشْهِ، يَتَظَاهَرُ أَمَامَهُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ، فَيَتَبَعُ الْحَيوانَ الْمُفْتَرِسَ هذه الفريسة وَيَبْتَعِدُ عَنِ الْعَشِّ كَثِيرًا. وعندما يَتَأَكَّدُ الطائرُ من خِدَاعِ الْعَدُوِّ وابتعاده وإنقاذ حياة فراخه، يَطِيرُ بَعْتَةً.
ترجمه: پرنده باهوش هنگامی که جانور درنده ای را نزدیک لانه اش می بیند، روبه رویش وانمود می کند که بالش شکسته است، در نتیجه جانور درنده این شکار را تعقیب می کند و از لانه بسیار دور می شود و وقتی که این پرنده از فریب دشمن و دور شدنش و نجات زندگی جوجه هایش مطمئن می شود، ناگهان پرواز می کند.
 نقش کلمات: الطائرُ: فاعل / حيواناً: مفعول / مُفْتَرِساً: صفت / عَشٌّ: مضاف إليه / الحيوانُ: فاعل / الْمُفْتَرِسُ: صفت / عَنِ الْعَشِّ: جار و مجرور / خِدَاعِ: مجرور به حرف جرّ / حياة: مضاف إليه

لغات درس اول

أَحْضَرَ: آورد، حاضر کرد
إِحْمِي: از من نگهداری کن «حمی، یحمی / احم+ نون وقایه + ی»
الأَصْنَام: بت‌ها «مفرد: الصنم»
أَعْتَبِي: مرا یاری کن «اعان، يعين / أعین + نون وقایه + ی»
أَقِم وَجْهَكَ: روی بیاور
 (ماضی: أقام / مضارع: يُقيم)
أَبْر: روشن کن «أناز، يُنير»
الإنشراح: شادمانی
الأنشودة: سرود «جمع: الأناشيد»
بَدَّؤُوا بِتِهَامَسُون: شروع به پیچ پیچ کردند.
 (ماضی: تِهَامَس / مضارع: يَتِهَامَسُون)
البَسَمَات: لبخندها «مفرد: البسمة»
البعث: رستاخیز
البنیان المرصوص: ساختمان استوار
تَأَكَّد: مطمئن شد
تَبِع: تعقیب کرد
التَّجَنَّب: دوری کردن
 (ماضی: تَجَنَّب / مضارع: يَتَجَنَّب)
تَمَتَّى: آرزو داشت (مضارع: يَتَمَتَّى)
حَرَّق: سوزاند
حَمَّل: تحمیل کرد
الْحَنِيف: یکتاپرست
خِدَاع: فریب
خُذُوا: بگیرید (أخذ: گرفت)
الذَّار: خانه
السُّدَى: بیهوده و بوج
السَّلام: آشتی، صلح
السَّيْرَة: روش و کردار، سرگذشت
سوی: به جز
الشَّعَائِر: مراسم
الصَّرَاع: کشمکش: النَّزاع ≠ السَّلْم
الطَّيْن: گِل
العَصَب: رگ
العظم: استخوان «جمع: العظام»

عَقَلَ: خردورزی کرد

عَلَّق: آویخت

الفَأْس: تبر «جمع: الفؤوس»

فَرِيَسَة: شکار «جمع: فرائس»

القَرَابِين: قربانی‌ها «مفرد: القربان»

القرآن: خواندن

قِيلَ: گفته شد (قال: گفت)

الْكَيْف، الكَيْف: شانه «جمع: الأكتاف»

كَسَّر: شکست

كَسول: تنبل

كونوا: باشید (كان: بود)

مايلي: آنچه می‌آید

المُجِيب: برآورنده

مُدَوَّنَة: دفترچه

المَفْرُوضَة: تحمیلی

«الْخَرْبُ الْمَفْرُوضَة: جنگ تحمیلی»

المَفْسَدَة: مایه تباهی

مَكسور: شکسته

النَّقُوش: کنده کاری‌ها، نگاره‌ها «مفرد: النقش»

مترادف

الصَّرَاع = النَّزاع

الْحَنِيف = المُوَحَّد

الذَّاء = المَرَض

رَأَى = شاهَد

الأنبياء = الرُّسُل = المرسلون

حَسَبَ = ظَنَّ

العافية = الصَّحَة = السَّلامَة

أَعَانَ = نَصَرَ

متضاد

أَصْغَرَ ≠ أكبر

السَّلْم ≠ الصَّرَاع

السَّلْم ≠ النَّزاع

الحَقُّ ≠ الباطل

يَبْكِي ≠ يَضْحَكُ

خَيْر ≠ شَرَّ

العافية ≠ الدَّاء، المَرَض

يَعْلَمون ≠ لا يَعْلَمون

الدُّنْيَا ≠ الآخِرَة

جمع‌های مکسر و مفرد آن‌ها

نُقُوش ← نقش

رُسُوم ← رسم

تَمائيل ← تمثال

شُعوب ← شعب

شَعائِر ← شعيرة

أديان ← دین

آلهَة ← إله

قَرابِين ← قربان

أنبياء ← نبي

أثار ← أثر

أقوام ← قوم

أصنام ← صنم

أعياد ← عيد

أكتاف ← كتف، كتيف

فُؤوس ← فأس

عِظام ← عظم

مَساكِين ← مسكين

نُقَاد ← ناقد

أنشودة ← أنشودة

حُطوط ← خط

قَرائِس ← فريسة

کلمات مشابه و پر اهمیت

مَرَّ: عبور کرد / مَرَّ: مَرَّ / مَرَّ: تلخ / مَمَرَّ: راهرو

سِنَّ: دندان، دندانه / سِنَّة: سال / سِنَّة: سنت /

أَسنان: دندان‌ها

عَقَلَ: خردورزی کرد / عَلَّق: آویخت



الف) ترجم الكلمات التي تحتها خط:

- ١- قرأنا أنشودة الصّف. (فردار ١٣٠٢)
 ٢- قد حدّثنا القرآن عن صراع الأنبياء مع الكافرين. (دى ١٣٠١)
 ٣- ﴿وَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ (فردار ١٣٠١)
 ٤- عبادته و شعائره كانت خرافية. (دى ١٣٠٠، فردار ١٣٠٠ و شهر يور ٩٨)
 ٥- إن الغضب مفسدة. (دى ٩٩ و فردار ٩٩)
 ٦- أنقذ الله إبراهيم من النار. (دى ٩٨)
 ٧- إن الله لا يضيع أجر المحسنين. (شهر يور ٩٨)
 ٨- أنقذ إبراهيم قومه من عبادة الأصنام. (فردار ٩٨)

ب) عيّن الكلمة الغريبة في المعنى:

- ٩- الف) الأعصاب (ب) الأسنان (ج) العظام (د) الأعين (هـ) الرجال (دى ١٣٠١)
 ١٠- الف) الفضة (ب) الطينة (ج) الذهب (د) النحاس (دى ١٣٠٠)
 ١١- الف) العشب (ب) الطائر (ج) الفندق (د) الفراخ (فردار ١٣٠٠)

ج) أكتب جمع الكلمة التي تحتها خط:

- ١٢- «النّفس»: (فردار ١٣٠١)
 ١٣- علّق الفأس على كتف الصنم. (دى ٩٨)

د) ترجم الآيات والعبارات إلى الفارسية:

- ١٤- نَحْنُ خُلِقْنَا مِنْ طِينَةٍ فَلَا نَفْتَخِرُ بِنَسَبِنَا. (فردار ١٣٠٢)
 ١٥- أرجو من الله أن يجعل التوفيق نصيبي في الحياة. (فردار ١٣٠٢)
 ١٦- إلهي اجعل التوفيق خطي في الحياة. (دى ١٣٠١)
 ١٧- لا خير في قول إلا مع الفعل. (دى ١٣٠١)
 ١٨- الكتابات والنقوش تدل على أن الدين فطري في وجود الإنسان. (دى ١٣٠١)
 ١٩- حاول إبراهيم (ع) أن ينقذ قومه من عبادة الأصنام. (فردار ١٣٠١، فردار ٩٩ و شهر يور ٩٨)
 ٢٠- لا فقر أشد من الجهل ولا عبادة مثل التفكير. (فردار ١٣٠١)
 ٢١- ازدادت هذه الخرافات في أديان الناس على مر العصور. (دى ١٣٠٠)
 ٢٢- قد حدّثنا القرآن الكريم عن سيرة الأنبياء (ع) (دى ١٣٠٠)
 ٢٣- ﴿أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ﴾ (فردار و دى ١٣٠٠)
 ٢٤- لاشعب من شعوب الأرض إلا وكان له دين وطريقة للعبادة. (فردار ١٣٠٠)
 ٢٥- ﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾ (فردار ١٣٠٠)
 ٢٦- ﴿وَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ (فردار ١٣٠٠)
 ٢٧- بدأ القوم بتها مسون: إن الصنم لا يتكلم ويقصد إبراهيم الاستهزاء بأصنامنا. (دى ٩٩)
 ٢٨- أجاب المديز: لا طالب هنا. (دى ٩٩)

۲۹- ﴿فَهَذَا يَوْمَ الْبَعْثِ وَلِكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾	(ری ۹۹)
۳۰- كُلُّ طَعَامٍ لَا يَذُكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا بَرَكَةَ فِيهِ.	(فردار ۹۹)
۳۱- ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾.	(فردار ۹۹)
۳۲- عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ يَطِيرُ بَعْتَةً.	(فردار ۹۹)
۳۳- يَرَى الطَّائِرُ الذَّكِيَّ حَيَوَانًا مُفْتَرَسًا قُرْبَ عُنُقِهِ.	(فردار ۹۹)
۳۴- لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ.	(شهریور ۹۸)
۳۵- ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾	(شهریور ۹۸)
۳۶- ثُمَّ عَلِقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ وَتَرَكَ الْمَعْبَدَ.	(فردار ۹۸)
۳۷- الْحَضَارَاتُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.	(فردار ۹۸)
۳۸- ﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾	(فردار ۹۸)
۳۹- كَسَّرَ إِبْرَاهِيمَ (ع) جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.	(ری ۹۸)
۴۰- لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ.	(ری ۹۸)
۴۱- كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ.	(ری ۹۸)

انتخب الترجمة الصحيحة:

۴۲- بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ.	(فردار ۱۴۰۱)
۱: بلکه آنان را می‌بینی از تکه گلی آفریده شده‌اند.	۲: بلکه آنان را می‌بینی که تکه گلی آفریدند.
۴۳- أَجَابَ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.	(فردار ۱۴۰۰)
۱: جواب داد: از من نپرسید، از بت بزرگ پرسید.	۲: جواب داد: چرا از من می‌پرسید؟ از بت بزرگ پرسید.
۴۴- عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ وَانْقَاذِ فِرَاحِهِ، يَطِيرُ.	(ری ۹۹)
۱: هنگامی که این پرنده از فریب دشمن و نجات جوجه‌هایش مطمئن می‌شود، پرواز می‌کند.	۲: هنگامی که این پرنده از فریب دشمنان و نجات زندگی جوجه‌هایش مطمئن می‌شود، پرواز می‌کند.
۴۵- إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ.	(فردار ۹۹)
۱: این خرافات در دین مردم در زمان‌های مختلف زیاد می‌شود.	۲: این خرافات در دین‌های مردم در گذر زمان افزایش یافت.
۴۶- ﴿وَلَا يَحِزُّنُكَ قَوْلُهُمْ﴾	(ری ۹۸)
۱: گفتارشان تو را اندوهگین نمی‌سازد.	۲: نباید گفتارشان تو را اندوهگین سازد.
۴۷- إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ.	(ری ۹۸)
۱: افتخار، تنها به خردی استوار است.	۲: به درستی که افتخار به خردی استوار است.

كَمَلُ الْفَرَاجَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ:

۴۸- ﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾ گفتند: او را و خدایانتان را.....	(فردار ۱۴۰۱)
۴۹- تَمَّتِ الْمُرَارُ: «لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا». کشاورز.....، باران زیاد بیارد.	(فردار ۹۹)
۵۰- وَامَلَأَ الصَّدْرَ انشراحاً وَفَمَى بِالْبَسْمَاتِ. و سینه را از و دهانم را با پر کن.	(فردار ۹۹)
۵۱- ﴿رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ پروردگارا، آنچه توانش را بر ما	(ری ۹۸)
۵۲- ﴿وَلَا يَحِزُّنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ گفتارشان نباید تو را، زیرا ارجمندی همه از آن خداست.	(شهریور ۹۸)
۵۳- وَامَلَأَ الدُّنْيَا سَلَامًا شَامِلًا كُلَّ الْجِهَاتِ. دنیا را از فراگیر در همه جهت‌ها.....	(فردار ۹۸)
۵۴- كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ. خشنود ساختن همه مردم هدفی است که.....	(فردار ۹۸)



ز ترجم الكلمات التالية:

٥٥- سأل: سوال كرد ١: أنتم لم تسألوني؟ ٥٦- غفر: آمرزید ١: لا يُغفرُ المُخطئُ ٥٧- جلس: نشست ١: كان يجلس على الأرض ٥٨- غفر: آمرزید ١: المَغفور ٥٩- استغفر: آمرزش خواست ١: أيها الناس: استغفروا لذنوبكم. ٦٥- قطع: برید ١: كانوا يقطعون ٦١- جلس: نشاند ١: لماذا أتجلسين الأطفال؟	٥٥- سأل: سوال كرد ١: أنتم لم تسألوني؟ ٥٦- غفر: آمرزید ١: لا يُغفرُ المُخطئُ ٥٧- جلس: نشست ١: كان يجلس على الأرض ٥٨- غفر: آمرزید ١: المَغفور ٥٩- استغفر: آمرزش خواست ١: أيها الناس: استغفروا لذنوبكم. ٦٥- قطع: برید ١: كانوا يقطعون ٦١- جلس: نشاند ١: لماذا أتجلسين الأطفال؟	٥٥- سأل: سوال كرد ١: أنتم لم تسألوني؟ ٥٦- غفر: آمرزید ١: لا يُغفرُ المُخطئُ ٥٧- جلس: نشست ١: كان يجلس على الأرض ٥٨- غفر: آمرزید ١: المَغفور ٥٩- استغفر: آمرزش خواست ١: أيها الناس: استغفروا لذنوبكم. ٦٥- قطع: برید ١: كانوا يقطعون ٦١- جلس: نشاند ١: لماذا أتجلسين الأطفال؟	٥٥- سأل: سوال كرد ١: أنتم لم تسألوني؟ ٥٦- غفر: آمرزید ١: لا يُغفرُ المُخطئُ ٥٧- جلس: نشست ١: كان يجلس على الأرض ٥٨- غفر: آمرزید ١: المَغفور ٥٩- استغفر: آمرزش خواست ١: أيها الناس: استغفروا لذنوبكم. ٦٥- قطع: برید ١: كانوا يقطعون ٦١- جلس: نشاند ١: لماذا أتجلسين الأطفال؟
--	--	--	--

ح عین الصحيح:

٦٢- الأثار القديمة..... إهتمام الإنسان بالدين. (تؤكد - يؤكدون - يؤكد)	٦٣- تمثال من الحجر أو الحشب أو الحديد يعبد من دون الله. (الفاؤس - الصنم - التجب)	٦٤- أزر عقلي و قلبي بالعلوم النافعات (نوراني كن - پرکن - بی نیاز کن)
---	--	--

ط عین الصحيح و الخطأ حسب الحقيقة و الواقع:

٦٥- لم يكن لبعض الشعوب دين أو طريقة للعبادة.	٦٦- الصنم تمثال من حجر أو حشب يعبد من دون الله.
--	---

ي عین المحل الإعرابي للكلمات التي تحتها خط:

٦٧- الهداف من تقديم القرابين للالهة تجنب شرها.	٦٨- لا تأخذوا الباطل من أهل الحق.
--	-----------------------------------

ك عین الصحيح في التحليل الصرفي و المحل الإعرابي:

٦٩- «إبراهيم (ع) كسر جميع الأصنام في المعبد.» الف) كسر: ١: فعل ماضٍ، معلومٌ / خبرٌ ب) المعبد: ١: اسمٌ، مُفردٌ، نكرةٌ / مُضافٌ إليه ٧٥- إزدادت الخرافات في أديان الناس على مرّ العصور. الف) إزدادت: ١: فعل ماضي، مفردٌ، مذكورٌ، مجهولٌ / مبتدأ ب) العصور: ١: اسمٌ، جمعٌ تكسير، مُعرَّفٌ بأل / مُضافٌ إليه	٦٩- «إبراهيم (ع) كسر جميع الأصنام في المعبد.» الف) كسر: ١: فعل ماضٍ، معلومٌ / خبرٌ ب) المعبد: ١: اسمٌ، مُفردٌ، نكرةٌ / مُضافٌ إليه ٧٥- إزدادت الخرافات في أديان الناس على مرّ العصور. الف) إزدادت: ١: فعل ماضي، مفردٌ، مذكورٌ، مجهولٌ / مبتدأ ب) العصور: ١: اسمٌ، جمعٌ تكسير، مُعرَّفٌ بأل / مُضافٌ إليه	٦٩- «إبراهيم (ع) كسر جميع الأصنام في المعبد.» الف) كسر: ١: فعل ماضٍ، معلومٌ / خبرٌ ب) المعبد: ١: اسمٌ، مُفردٌ، نكرةٌ / مُضافٌ إليه ٧٥- إزدادت الخرافات في أديان الناس على مرّ العصور. الف) إزدادت: ١: فعل ماضي، مفردٌ، مذكورٌ، مجهولٌ / مبتدأ ب) العصور: ١: اسمٌ، جمعٌ تكسير، مُعرَّفٌ بأل / مُضافٌ إليه	٦٩- «إبراهيم (ع) كسر جميع الأصنام في المعبد.» الف) كسر: ١: فعل ماضٍ، معلومٌ / خبرٌ ب) المعبد: ١: اسمٌ، مُفردٌ، نكرةٌ / مُضافٌ إليه ٧٥- إزدادت الخرافات في أديان الناس على مرّ العصور. الف) إزدادت: ١: فعل ماضي، مفردٌ، مذكورٌ، مجهولٌ / مبتدأ ب) العصور: ١: اسمٌ، جمعٌ تكسير، مُعرَّفٌ بأل / مُضافٌ إليه
---	---	---	---



آزمون تألیفی (۱)

(۱)	الف) ترجم الكلمات التي تحتها خط:	
	۱- التَّدِينُ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ.	۲- ﴿أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُذِّي﴾
	۳- مثل تعدد الآلهة وتقديم القرابين لها.	۴- ﴿قَالُوا خَرَّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾
(۰/۵)	ب) عَيْنَ الْمُتَضَادِّ وَ الْمُتَرَادِفِ: (السَّلْمُ - الْحَنِيفُ - أَكْبَرُ - زُسُومُ - الصَّرَاعُ - الْمُوَحَّدُ)	
	۵- (=)	۶- (≠)
	ج) عَيْنَ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي الْمَعْنَى:	
(۰/۲۵)	۷- الف) الكَتِفُ	ب) الْعَصَبُ
(۰/۲۵)	ج) الطَّيْنُ	د) الْعَظْمُ
	۸- أَكْتُبْ جَمْعَ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: «كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.»	
	د) ترجم الآيات و العبارات التالية إلى الفارسية:	
(۰/۱۷۵)	۹- عَرَفَ الْإِنْسَانُ الْأَثَارَ الْقَدِيمَةَ مِنْ خِلَالِ الْكُتَابَاتِ وَ التَّقُوشِ وَ الرُّسُومِ وَ التَّمَاثِيلِ.	
(۰/۱۷۵)	۱۰- عِبَادَاتُ الْإِنْسَانِ وَ شَعَائِرُهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً.	
(۰/۱۷۵)	۱۱- أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ إِلَى النَّاسِ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.	
(۰/۱۷۵)	۱۲- لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً.	
(۰/۱۷۵)	۱۳- ظَنَّ النَّاسُ أَنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) هُوَ الْفَاعِلُ فَأَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ.	
(۰/۱۵)	۱۴- قَذَفُوهُ فِي النَّارِ فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.	
(۰/۱۷۵)	۱۵- لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.	
(۰/۱۷۵)	۱۶- ﴿قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾	
(۰/۱۵)	۱۷- لَا فِقْرَ كَالْجَهْلِ وَ لَا مِيرَاثَ كَالْأَدْبِ.	
(۰/۱۷۵)	۱۸- ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾	
(۰/۱۷۵)	۱۹- يَتَّبِعُ الْحَيَوَانَ الْمُفْتَرِسُ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ.	
(۰/۵)	هـ) انتخب الترجمة الصحيحة:	
	۲۰- لَمْ يَتْرِكِ اللَّهُ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ.	۱) خداوند مردم را بر این حالت رها نمی کند.
	۲۱- لَا تَطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.	۲) از آنچه نمی خورید به نیازمندان غذا ندهید.
(۱/۵)	و) كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ:	
	۲۲- مثل تعدد الآلهة وتقديم القرابين لها.	مانند فراوانی و تقديم کردن قربانی ها
	۲۳- لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ.	خدا به کسی که رحم نمی کند.



(٢)	ز ترجم الكلمات التالية:			
	٢٤- عَلَّمَ: ياد داد	(١) أَعْلَمَ:	(٢) لِيَعْلَمَ:	(٣) لَنْ يُعْلَمَ:
	٢٥- أَجْلَسَ: نشانيد	(١) أَجْلَسَ:	(٢) لَا تُجْلِسِي:	(٣) سَيُجْلِسُ:
	٢٦- اسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	(١) اسْتَعْفَرُ:	(٢) الاستِغْفار:	
(١)	ح ابحث عن الأسماء التالية في الجمل:			
	٢٧- اسم الفاعل	٢٨- اسم المفعول	٢٩- اسم التفضيل	٣٠- اسم المكان
	عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَثِيفِ الْأَصْنَامِ وَتَرَكَ الْمَعْبَدَ وَلَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَّرَةً وَظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) هُوَ الْفَاعِلُ.			
(١/٥)	ط مَبِّزْ فِي الْعِبَارَاتِ:			
	٣١- فاعل	٣٢- مضاف إليه	٣٣- صفة	٣٤- جار و مجرور
	٣٥- مبتدا	٣٦- خبر		
	كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ (ع) جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ- أَحْسَنَ الْحَسَنَ الْخُلُقَ الْحَسَنَ.			
(٠/٧٥)	ع عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ.			
	٣٧- الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ لَا تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.	٣٨- إِنَّ التَّدْيِينَ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ.		
	٣٩- لَا يَتْرُكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُدىً.			
(١)	ك عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ لِلْعِبَارَاتِ: (الْفَأْسُ- الصَّنَمُ- السَّيْرَةُ- الْكَثِيفُ- الْقَرَابِينُ) كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ.			
	٤٠- التَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَالْمَتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ:			
	٤١- عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجِدْعِ:			
	٤٢- تَمَثَّلَ مِنْ حَجَرٍ أَوْ حَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ:			
	٤٣- آلَةُ ذَاتِ يَدٍ مِنَ الْحَشَبِ وَسَبِيٌّ عَرِيضَةٌ مِنَ الْحَدِيدِ:			
(١/٥)	ل عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتِهَا خَطٌّ:			
	٤٤- حَصَرَ السُّبَّاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ وَالذَّلِيلُ لَمْ يَحْضُرْ.			
	٤٥- يَرَى الطَّائِرُ الذَّكِيَّ حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا قُرْبَ عُنُقِهِ.			
(٠/٥)	م عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَالْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ:			
	«تَمَنَّى الْمُزَارِعُ لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا»			
	٤٦- تَمَنَّى:	١: فعل ماضي، مفرد، مذكّر، معلوم / فعل	٢: فعل مضارع، مفرد، مؤنث، معلوم / مبتدا	
	٤٧- الْمُزَارِعُ:	١: اسم، مفرد، مذكّر، نكرة / خبر	٢: اسم، مفرد، مذكّر، معرفة / فاعل	



آزمون تألیفی (۲)

(۱)	۱. تَرجم الكلمات التي تحتها خط:
	الف) إزدادت هذه الحُرُافاتُ على مَرِّ العُصور. ج) لا كُنزٌ أُغنى من القِناعة. ب) عَلَّقَ إبراهيمُ (ع) الفأس على كَتفِ أكبر الأَصنام. د) عُضو من أعضاء الجسم يَقعُ أعلى الجُدع.
(۰/۵)	۲. عَيِّن المترادف و المتضاد: (الصَّدَاقَة - المُزارع - المُفْتَرَس - الفَلَّاح - العَدَاوَة - الطَّيْن)
	الف): (=) ب): (≠)
(۰/۲۵)	۳. عَيِّن الكلمة الغريبة في المعنى:
	الف) الرُّسُل ب) المُرْسَلون ج) الأنبياء د) الأصدقاء
	۴. اُكْتُب مفرد الكلمة التي تحتها خط:
(۰/۲۵)	«لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً»
	۵. تَرجم الآيات و العبارات و الأشعار إلى الفارسية:
(۰/۲۵)	الف) بَقِيَ إبراهيمُ (ع) وحيداً في مَدِينَتِهِ و كَسَرَ جَمِيعَ الأَصنام.
(۰/۲۵)	ب) لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ إلى مَدِينَتِهِمْ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً.
(۰/۲۵)	ج) ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنِيَانٌ مَرْصُوعٌ﴾
(۰/۲۵)	د) ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ﴾
(۰/۲۵)	هـ) أَيُّهَا الفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لَأَمٌّ و لِأَب.
(۰/۵)	و) وَأَبْرَ عَقْلِي و قَلْبِي بالعلوم النَّافعات
(۰/۵)	ز) وَاجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي وَتَصِيبِي فِي الحَيَاةِ
(۰/۵)	ح) ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾
(۰/۲۵)	ط) كُلِّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، لَا بَرَكَةَ فِيهِ.
(۰/۵)	ي) لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الغَضَبَ مَفْسَدَةٌ.
(۰/۵)	ك) إِنَّ أَحْسَنَ الحَسَنِ الخُلُقِ الحَسَنُ.
(۱)	۶. انتخب الترجمة الصحيحة:
	الف) ﴿أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ ۱- همچون یکتاپرستان به دین روی آور. ب) قَدَّفُوهُ فِي النَّارِ فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ. ۱- اورا در آتش بیاندازید تا خدا اورا نجات دهد. ج) لَيْتَ السَّرُورَ دَائِمًا فِي حَيَاةِ الدُّنْيَا. ۱- کاش شادمانی در زندگی دنیا همیشه باشد. د) ۲- با یکتاپرستی به دین روی آور. ۲- اورا در آتش انداختند پس خداوند اورا نجات داد. هـ) ۲- ای کاش خوشی در زندگی دنیوی دائمی باشد.



	<p>(د) يَتَأَكَّد الطَّائِرُ مِنَ خِدَاعِ الْعَدُوِّ وَيَطِيرُ بَعْتَةً.</p> <p>١- هنگامی که پرندۀ از نیرنگ دشمن مطمئن می شود ناگهان پرواز می کند.</p> <p>٢- پرندۀ از نیرنگ دشمن مطمئن می شود و ناگهان پرواز می کند.</p>
(١/٥)	<p>٧. كَمِّلِ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ:</p> <p>(الف) ﴿أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ (ب) أَجَابَ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ اسأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ. (ج) كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ.</p> <p>آیا انسان که رها می شود؟ پاسخ داد: چرا ؟ از بت بزرگ خشنود ساختن همه مردم دست نیافتنی است.</p>
(٥/٥)	<p>٨. اِنْتخِبِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاعِ:</p> <p>(الف) إِنَّ مِنَ السُّئَةِ أَنْ الرَّجُلُ مَعَ صَيفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ. (تَخْرُجُ - يَخْرُجُ - نَخْرُجُ) (ب) الْحَضَارَاتُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ. (يُؤَكِّدُ - أَكَّدَ - تُؤَكِّدُ)</p>
(٢)	<p>٩. تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ:</p> <p>(الف) غَفَرَ: أَمْرٌ زَيْدٌ ١- قَدْ غَفَرَ: ٢- لَا يَغْفِرُ: ٣- الْمَغْفُورُ:</p> <p>(ب) قَطَعَ: بُرِيدٌ ١- كَانَا يَقْطَعَانِ: ٢- لَا تَقْطَعُ: ٣- الْمَقْطُوعُ:</p> <p>(ج) عَلَّمَ: يَادِدَادٌ ١- أَعْلَمُ: ٢- لَنْ يُعْلَمَ:</p>
(١/٥)	<p>١٥. مَيِّزْ فِي الْعِبَارَاتِ: ١- الْفَاعِلُ ٢- الصِّفَةُ ٣- الْمُضَافُ إِلَيْهِ ٤- الْمُبْتَدَأُ ٥- الْخَبَرُ ٦- الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ</p> <p>«يَتَّبِعُ الْحَيَوَانَ الْمُفْتَرَسُ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ وَيَتَعَدُّ عَنِ الْعَشِّ. الطَّائِرُ يَتَأَكَّدُ مِنَ خِدَاعِ الْعَدُوِّ وَيَطِيرُ بَعْتَةً»</p>
(١/٥)	<p>١١. عَيِّنْ نَوْعَ الْكَلِمَاتِ (١- اسْمُ الْفَاعِلِ ٢- اسْمُ الْمَفْعُولِ ٣- اسْمُ التَّفْضِيلِ ٤- اسْمُ الْعِلْمِ ٥- اسْمُ الْمُبَالَغَةِ ٦- اسْمُ الْمَكَانِ)</p> <p>«إِنَّ اللَّهَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ - يَا إِلَهِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ - لَا قَفْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ - يَنْتَظِرُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ - تَرَكَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْمَعْبَدَ.»</p>
(١)	<p>١٢. عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ:</p> <p>(الف) الرَّجُلُ عُضْوٌ مِنَ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجِدْعِ. (ب) الصَّنَمُ تِمَثَالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَسْبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (ج) التَّمَثَالُ أَلَّةٌ ذَاتُ يَدٍ مِنَ الْحَشَبِ وَسِنَّةٌ عَرِيضَةٌ مِنَ الْحَدِيدِ. (د) الْحَنِيفُ هُوَ التَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَالْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ.</p>
(٥/٥)	<p>١٣. عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ نَوْعِ «لَا» فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ:</p> <p>«كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، لَا بَرَكَةَ فِيهِ»</p> <p>الذَّهِي النَّفِي لِلْجِنْسِ</p>



(٥/٠)	١٤. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَالْمَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ:
	<p>«حَصَرَ السُّيَّاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ» الف): حَصَرَ: ١- فَعْلٌ مَاضٍ - مَعْلُومٌ / فَعْلٌ ب) السُّيَّاحُ: ١- اسْمٌ مَبَالِغَةٌ - جَمْعٌ تَكْسِيرٌ - مَعْرُوفٌ بِأَلٍ / فَاعِلٌ ٢- فَعْلٌ مَاضٍ - مَجْهُولٌ / مَبْتَدَأٌ ٢- اسْمٌ فَاعِلٌ - جَمْعٌ مَكْسُرٌ - مَعْرُوفَةٌ / فَاعِلٌ</p>
(١)	١٥. اِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ:
	<p>«حِينَ يَرَى الطَّائِرَ الذَّكِيَّ حَيواناً مُفْتَرِساً قُرْبَ عَشِّهِ يَتَظَاهَرُ أَمَامَهُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ، فَيَتَّبِعُ الحَيوانَ المُفْتَرِسَ هَذِهِ الفَرِيسَةَ وَ يَبْتَغِدُ عَنِ العُشِّ كَثِيراً. وَ عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنَ خِدَاعِ العَدُوِّ وَ ابْتِعَادِهِ وَ إنْقِاذِ حَيَاةِ فِرَاحِهِ يَطِيرُ بَعْتَةً» ١- ما ذَا يَفْعَلُ الطَّائِرُ الذَّكِيُّ حِينَ رَؤْيَةِ الحَيوانِ المُفْتَرِسِ؟ ٢- مَتَى يَطِيرُ الطَّائِرُ بَعْتَةً؟ ١- جَمْعُ «العَدُوِّ»؟ ٢- مَفْرَدُ «فِرَاحٍ»؟</p>



پاسخنامه تشریحی سؤالات امتحانات نهایی

الف

- ۱- سرود
- ۲- کشمکش
- ۳- یکتاپرست
- ۴- مراسم
- ۵- مایهٔ تباهی
- ۶- نجات داد
- ۷- نیکوکاران
- ۸- بُت‌ها

ب

- ۹- الف) عصب‌ها
- ب) دندان‌ها
- ج) استخوان‌ها
- د) چشم‌ها
- ه) مردان
- ۱۰- الف) نقره
- ب) گِل ✓
- ج) طلا
- د) مس
- ۱۱- الف) لانه
- ب) پرنده
- ج) هتل ✓
- د) جوجه‌ها

ج

- ۱۲- التَّقْوُوس
- ۱۳- اُكْتاف

د

- ۱۴- ما از (تکه) گلی آفریده شده‌ایم پس نباید به دودمانمان (نسب) افتخار کنیم.
- ۱۵- امیدوارم که خدا موفقیت را بهره‌ام در زندگی قرار دهد.
- ۱۶- خدای من، موفقیت را بخت من در زندگی قرار بده.
- ۱۷- هیچ خیری در سخنی نیست مگر آن که با عمل همراه باشد.
- ۱۸- نوشته‌ها و نگاره‌ها دلالت می‌کند بر اینکه دین در وجود انسان ذاتی است.
- ۱۹- ابراهیم (ع) تلاش کرد که قومش را از عبادت بُت‌ها نجات دهد.
- ۲۰- هیچ فقری بدتر از نادانی و هیچ عبادتی مثل اندیشیدن نیست.
- ۲۱- این خرافه‌ها در دین‌های مردم در گذر زمان‌ها زیاد شد.
- ۲۲- قرآن کریم دربارهٔ روش پیامبران (ع) با ما سخن گفته است.
- ۲۳- آیا تو این کار را با خدایان ما کرده‌ای ای ابراهیم!
- ۲۴- هیچ امتی از امت‌های [روی] زمین [موجود] نیستند مگر اینکه دین و روشی برای عبادت دارند.
- ۲۵- گفتند: او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.

۲۶- و یکتاپرستانه به دین روی آور.

۲۷- قوم شروع به پیچ کردن: به راستی که بت صحبت نمی‌کند و ابراهیم قصد مسخره کردن بت‌هایمان را دارد.

۲۸- مدیر پاسخ داد: هیچ دانش‌آموزی اینجا نیست.

۲۹- پس این روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.

۳۰- هر غذایی که اسم خدا بر آن ذکر نشود هیچ برکتی در آن نیست.

۳۱- آیا انسان گمان می‌کند که بیهوده رها می‌شود؟!

۳۲- هنگامی که پرنده از فریب دشمن مطمئن می‌شود ناگهان پرواز می‌کند.

۳۳- پرندهٔ باهوش، حیوانی درنده را نزدیک لانه‌اش می‌بیند.

۳۴- هیچ دینی ندارد کسی که تعهد و پیمانی ندارد.

۳۵- و کافر می‌گوید ای کاش خاک بودم.

۳۶- سپس تبر را بر شانهِ اش آویخت و معبد را ترک کرد.

۳۷- تمدن‌های قدیمی بر توجه انسان به دین تأکید می‌ورزند.

۳۸- هیچ علمی نداریم مگر آنچه را که تو به ما آموختی.

۳۹- ابراهیم (ع) تمامی بت‌ها در معبد جز بت بزرگ را شکست.

۴۰- هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.

۴۱- گویی که راضی کردن همهٔ مردم هدفی دست نیافتنی است.

ه

۴۲- (۱) «خَلِقُوا» فعل مجهول است و به صورت «آفریده شده‌اند» ترجمه می‌شود.

۴۳- (۲) «لِمَ» مَخْفَفٌ «لماذا» و به معنای «چرا، برای چه؟» است.

۴۴- (۱) «الْعَدُو» مفرد است و به صورت «دشمن» ترجمه می‌شود.

۴۵- (۲) «ازْدَادَت» فعل ماضی است و به صورت «افزایش یافت» ترجمه می‌شود. «أدیان» نیز جمع است و به صورت «دین‌ها» ترجمه می‌شود.

«العصور» نیز جمع است و به صورت «زمان‌ها» ترجمه می‌شود.

۴۶- (۲) در ترجمهٔ «لا»ی نهی بر سر فعل مضارع غایب از «نباید» استفاده می‌کنیم.

۴۷- (۱) «إِنَّمَا» به صورت «تنها، فقط» ترجمه می‌شود.

و

۴۸- بسوزانید- یاری کنید.

۴۹- آرزو کرد- ای کاش

۵۰- شادمانی- لبخندها

۵۱- نداریم- تحمیل مکن